

تاریخ اسلام و ایران

فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا

سال نوزدهم، دوره جدید، شماره ۳، پیاپی ۷۹، پاییز ۱۳۸۸

صادرات تنباکوی ایران به مصر بر اساس اسناد نویافته

(۱۸۹۷-۱۹۰۶)

کریم سلیمانی^۱

چکیده

در ۲۰ مارس ۱۸۹۰/۲۷ رجب ۱۳۰۷ امتیاز انحصار کامل نظارت بر تولید، فروش و صدور تمام تنباکوی ایران به شرکت انگلیسی تالبوت واگذار شد. این امر با مخالفت و اعتراضات شدید مردم مواجه شد. بنابراین در یار ایران در ۲۳ ژانویه ۱۸۹۲م/۲۲ جمادی الثانی ۱۳۰۹ق مجبور به لغو امتیاز رژی شد. بعد از این، تنباکوی ایران به توسط دو شرکت خارجی خریداری و به خارج از کشور صادر می گشت. تنباکوی ایران بطور عمده توسط "کمپانی انحصار ادخال تنباکو در خاک عثمانی" از کشاورزان ایرانی خریداری و به کشور عثمانی صادر و از آنجا راهی ممالک دیگر می شد. در سال ۱۸۹۴ میلادی/۱۳۱۲قمری دولت ایران طی قراردادی با خلیل پاشا خیاط انحصار صادرات تنباکو به مصر را برای مدت ۲۲ سال به وی واگذار نمود. بر اساس قرارداد یاد شده، خلیل خیاط فعالیت تجاری

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی. نشانی اینترنتی: Soleimany_k@yahoo.com

این پژوهش در چهارچوب یک قرارداد پژوهشی با معاونت محترم پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی انجام شده است.

تاریخ تصویب: ۸۷/۴

تاریخ دریافت: ۸۷/۲/۱

خود را از سال ۱۸۹۷ آغاز و در سال ۱۹۱۹ به پایان برد. در این مقاله به ۱۰ سال نخست (۱۹۰۶-۱۸۹۷) این تجارت خواهیم پرداخت. بررسی بخش دوم تاریخچه تجارت یاد شده، که از انقلاب مشروطه تا سال ۱۹۱۹ را در بر می‌گیرد، در چهارچوب مقاله مستقلی ارائه خواهد شد. مهمترین پرسش پژوهش حاضر، به نحوه‌ی مدیریت و میزان موفقیت دولت ایران در این قلم از تجارت خارجی مربوط می‌شود. نحوه‌ی مدیریت دولت‌های ایرانی، به طور اعم، در این تجارت چنان با بی‌کفایتی همراه بود، که طرف مصری نه تنها بیشترین سود را سهم خود کرد بلکه همان مقدار ناچیز سهم دولت ایران را نیز به موقع نمی‌پرداخت و دولت ایران همواره طلب‌های معوقه‌ی خود را که هر سه چهار سال یک بار به تناوب اتفاق می‌افتاد، به زور حکم دادگاه اسکندریه و قاهره دریافت می‌کرد.

واژه‌های کلیدی: تنباکو، ایران، مصر، خلیل پاشا خیاط

مقدمه

توتون و تنباکو در اقتصاد و زندگی اجتماعی مردم نقش بسیار مهمی داشته است. به طوری که در اواخر قرن ۱۹ میلادی از کل جمعیت (احتمالاً) ده میلیونی ایرانی، حدود دویست هزار نفر در کشت و تجارت تنباکو به کار گرفته شده بودند. تنباکو در سال‌های پایانی پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار، یکی از منابع مهم درآمد دولت و نیز از اقلام مهم تجارت داخلی محسوب می‌شده است. بعد از خلع پید از شرکت رژی، تنباکوی ایران از طریق شرکت تنباکوی اسلامبول به عثمانی و بخش کمتری از آن به وسیله شرکت خلیل خیاط به مصر صادر می‌شد. قرارداد وی با دولت ایران در نوامبر ۱۸۹۴ منعقد گشت. اگر چه نامبرده مطابق با قرارداد یاد شده، صادرات انحصاری تنباکوی ایران به مصر را از ۱۸۹۷ آغاز و در ۱۹۱۹ به پایان برد، ولی در اینجا صرفاً بخش نخست این تجارت جنجالی (۱۹۰۶-۱۸۹۷) یعنی تا انقلاب مشروطه را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

خلیل خیاط در سال های آغازین تجارت با ایران، چنانچه اسناد گواهی می دهند، مشتری بدون دردرس بود و همواره مطابق با مفاد قرارداد عمل می کرد و حقوق دولت ایران را متناسب با زمان های پیش بینی شده در قرارداد می پرداخت. اما از نیمه دوم سال ۱۸۹۷ به دلیل تقاضاهای ناپسند بعضی از رجال دولتی ایران، از قبیل پیشکش ستانی و ... که رسم شایع در میان مردان اهل سیاست در آن دوران بود، او نیز با استفاده از این ضعف، ابتدا با ایجاد تغییراتی در قرارداد و سپس با معوق گذاشتن سهم سالیانه دولت ایران، سعی کرد همواره از تعهدات خود شانه خالی کند و بدینگونه مسئله ی اصلی پژوهش که با نحوه ی مدیریت و میزان موفقیت دولت ایران در این قلم از تجارت خارجی ارتباط می یابد، پدیدار می شود.

مقاله حاضر با توجه به اسناد موجود در سازمان اسناد ملی ایران و نیز مرکز اسناد وزارت امور خارجه ایران که تا کنون در هیچ یک از منابع مربوط به تاریخ اقتصادی و اجتماعی دوره قاجاریه مورد استفاده قرار نگرفته است، به تجارت تنباکوی ایران با مصر در میان سال های ۱۹۰۶-۱۸۹۷ می پردازد.

اطلاعات موجود درباره ی جزئیات داد و ستدهای مربوط به تجارت تنباکو در منابع منتشر شده، تقریباً برابر با صفر است. بنابراین با توجه به این محدودیت اطلاعات تاریخی و نیز برای اینکه از تمام اطلاعات موجود در اسناد استفاده شود، به طوری که حتی مطالب حاشیه ای نادیده گرفته نشود، نگارنده خود را ملزم می بیند، اسناد تجارت تنباکو میان ایران و مصر را سال به سال بررسی نماید. نگاه جامع به محتوای اسناد به ما این امکان را می دهد، نه تنها به میزان کارآمدی وزارت خانه های مسئول مانند خارجه و مالیه پی ببریم، بلکه دلایل انفعال کل دستگاه دولت ایرن را در برابر یک تاجر خارجی ارزیابی نماییم. تألیف مقاله پیش رو بر اساس توصیف و تحلیل اطلاعات تاریخی صورت گرفته است.

جای شگفتی است که بیست و دو سال تجارت تنباکوی ایران با کشور مصر، در منابع دوره قاجار و در تحقیقات جدید، انعکاس در خور نیافته است. در ذیل تعدادی از این منابع و میزان توجه آن ها به تجارت تنباکو به مصر، که عمدتاً در حد اشاره ای چند کلمه ای خلاصه می شود، معرفی می شود.

در سال ۱۹۰۴ میلادی یک هیئت بازرگانی از طرف دولت هند بریتانیا به جنوب شرقی ایران اعزام شد، این هیئت در گزارش خود درباره اقتصاد ایران، پس از یک اشاره کوتاه به تنباکوی ایران، اذعان می‌دارد: "تقریباً تمام تنباکوی ایران به ترکیه، مصر و قبرس فرستاده می‌شود." (اوضاع اقتصادی ایران ۱۳۷۶: ۲۳۳)

ویلهلم لیتن (Wilhelm Litten) کنسول آلمان در تبریز (۱۹۱۴-۱۹۱۵)، که از سال ۱۹۰۲ تا اواخر سال ۱۹۱۵ (ویلهلم لیتن ۱۳۸۵: ۳۸۶-۳۸۴) در ایران اقامت داشت، اوضاع اقتصادی ایران را در فاصله سال‌های ۱۹۱۹-۱۸۶۰ بررسی کرده است.

وی در فصل ۳۴ کتاب خود به مسأله تنباکو می‌پردازد. در این فصل، لیتن کوچک‌ترین اشاره‌ای به صادرات تنباکوی ایران به مصر نمی‌کند. اما اشاره او به جایگزینی یک شرکت فرانسوی به جای شرکت انگلیسی تالبوت که در پی اعتراض مردم به قرارداد رژوی کنار گذاشته شد، (ویلهلم لیتن ۱۳۶۷: ۱۳۴) حائز اهمیت است.

این مطلب را رودی متی نیز بر اساس اسناد^۱ Accounts and Papers.(A&P) تأیید کرده و اضافه می‌کند: بعد از اینکه شرکت فرانسوی با شرکت تنباکوی عثمانی (Ottoman Tobacco Corporation) در سال ۱۸۹۱ وارد قرارداد شد، در سال بعد، با دولت ایران یک قرارداد به صورت پنهانی منعقد نمود. بر اساس این قرارداد تجار ایرانی در قیاس با قرارداد تالبوت، از سود بیشتری بهره‌مند می‌شدند. (Rudi Matthee, 2005: P.235) بدین ترتیب شرکت فرانسوی برای اینکه حساسیت ایرانیان مسلمان تحریک نشود، در قسطنطنیه شرکتی به نام "شرکت تنباکو" تأسیس کرده و با پوشش این که تنباکوی ایران به یک کشور مسلمان (عثمانی) صادر می‌شود، به واقع انحصار صادرات تنباکوی ایران به عثمانی را در اختیار خود می‌گیرد.

سید محمد علی جمال زاده در کتاب خود، گنج شایگان، صرفاً به ارائه یک جدول صادرات تنباکوی ایران برای سال‌های ۱۳۲۹-۱۳۲۵ ق اکتفا می‌کند. بر اساس آماری که جمال زاده می‌دهد، بیش از ده درصد از تنباکوی ایران به مصر صادر می‌شده است. (جمالزاده ۱۳۶۲: ۳۴) اما

1. Reports from British consuls and presented to the Parliament.

اطلاعات جمال زاده بسیار کلی بوده و معلوم نمی کند که ارقام مندرج در جدول صادرات تنباکو مربوط به کدام بخش از درآمد دولت از این محصول صادراتی است. دولت ایران در ارتباط با تنباکو سه نوع درآمد داشته است: مالیات ناشی از خرید تنباکو از کشاورز، حقوق گمرکی دولت ایران که از صدور تنباکو اخذ می شده است و حقوق سالیانه دولت به دلیل اعطای امتیاز فروش انحصاری تنباکوی ایران در مصر و عثمانی.

روزنامه‌ی فارسی زبان چهره نما به مدیریت حاجی میرزا عبدالمحمد مؤدب السلطان از محرم ۱۳۲۲، ابتدا در اسکندریه و سپس در قاهره انتشار یافت. (صدر هاشمی: ۱۳۶۴: ۱۹۹-۲/۱۹۰) تصور می رفت تجارت تنباکوی ایران با مصر، توجه روزنامه‌ی چهره نما را به خود جلب کرده باشد، بنابراین تمام شماره های این روزنامه از آغاز تأسیس (محرم ۱۳۲۲) تا شماره ۵۷، سال ۱۵، غره ذی الحجه ۷/۱۳۳۶ سپتامبر ۱۹۱۸ بررسی شد.

در این دوره پانزده ساله، روزنامه‌ی چهره نما فقط در یک نوبت و در اندازه یک صفحه و نیم به مسأله تجارت تنباکوی ایران با مصر می پردازد. (چهره نما، سال ۱۴، شماره ۳۸، ۱۱-۱۲) مؤدب السلطان در شماره یاد شده، به دولت ایران هشدار می دهد امتیاز خلیل خیاط پاشا (Khalil Kayat Pacha)، صاحب امتیاز تنباکوی ایران در مصر، بیش از سه سال نمانده و از اینکه نامبرده حقوق دولت ایران را رعایت ننموده "با فریادی ایران پیما و صدایی برق آسا" شکوه می کند. وی به تجار اصفهان، که تنباکوی خلیل خیاط پاشا را تأمین می کردند، اندرز می دهد در فکر باشند تا بعد از انقضای این سه سال باقی مانده از امتیاز تنباکوی مصر، ترتیباتی را تدارک بینند تا تنباکوی اصفهان را به هر کس و هر جا می خواهند بفروشند و صادر کنند. (همانجا: ۱۲)

سعید نفیسی در چهار شماره از مجله فلاح و تجارت به مسئله "توتون و تنباکوی ایران و تجارت آن در ممالک خارجه" می پردازد. نفیسی از سال ۱۲۹۷ تا ۱۳۰۰ شمسی، رئیس اداره فلاح بود و همزمان مدیریت مجله فلاح و تجارت را نیز به عهده داشت. در سال ۱۳۰۰ نامبرده به اداره راه منتقل گردید و با رفتن او مجله نیز تعطیل شد. (صدر هاشمی، ۱۳۶۴: ۴/۹۱)

سعید نفیسی در چهار شماره از مجله فلاح و تجارت که ۲۴ صفحه از این مجله را شامل می شود، مطالب خود را اختصاص داده است به: منشاء توتون در اروپا (مجله فلاح و تجارت، سال

اول، شماره ۱۴ و ۱۵، ۲۵۲)، منشا توتون و تنباکو در ایران (همانجا: ۲۵۳) زراعت توتون و تنباکو در ایران (همانجا: ۲۵۴-۲۵۶ و نیز همانجا، شماره ۱۹ و ۲۰، ۳۳۹-۳۳۷) زراعت علمی توتون (همانجا، شماره ۲۳ و ۲۴، ۴۱۷-۴۰۹) و زراعت توتون در فرانسه (همانجا، سال دوم، شماره ۱، ۸-۲) از عنوان مقاله یاد شده چنین فهمیده می شود که نویسنده آن باید بخش قابل ملاحظه ای از مطالب خود را به تجارت خارجی تنباکو اختصاص داده باشد، حال آنکه با تعجب مشاهده می شود، فقط چند سطر از این مقاله طولانی به تجارت تنباکو مربوط می شود. (همانجا، سال اول، شماره ۱۴ و ۱۵، ۲۵۵ و ۲۵۴) سعید نفیسی به جز یک بار که در ارتباط با زراعت و تجارت تنباکوی گیلان به "مسیو لافن Lafont" به طور کلی ارجاع می دهد، برای بقیه مقاله خود به هیچ منبعی اشاره نمی کند.

در بایگانی سازمان اسناد ملی ایران، یک گزارش شش صفحه ای با عنوان "اخبار مربوط به تاریخچه اعطای امتیاز توتون ایران، ... موجود است (سازمان اسناد ملی ایران، ۴۰۹/۲۴۰۰۹۸۷۱، ۱۲۴۴) که توسط "اداره کل آمار و مطالعات وزارت دارائی" در دوره پادشاهی رضا شاه تهیه شده است. این گزارش به ورود توتون به ایران به وسیله پرتغالی ها در نیمه اول قرن ۱۷ به طور گذرا اشاره نموده و خیلی سریع به دوره قاجار می رسد. این سند به اعطای امتیاز توتون به تالبوت و لغو امتیاز رژی و واگذاری امتیاز یاد شده به شرکت فرانسوی "شرکت تنباکو" در سال ۱۲۷۱ش اشاره دارد. (همانجا، همان سند: ۲) ولی در رابطه با اعطای امتیاز تنباکو به خلیل پاشا خیاط مصری هیچگونه اطلاعی دربر ندارد.

علاوه بر منابع فوق، نگارنده به منابع دیگری نیز رجوع نمود: تمام دوره های دو روزنامه فارسی زبان "ثریا" و "پرورش" که به مدیریت میرزا علی محمد خان کاشانی در مصر چاپ می شد، مورد بررسی قرار گرفت، متأسفانه در آن ها هیچ انعکاسی از صادرات تنباکوی ایران به کشور مصر یافت نشد.

روزنامه اختر، شامل سال های ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ (۱۳۱۲، ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ق) از دوره انتشار آن، در حالیکه به صادرات تنباکوی ایران به کشور عثمانی بارها پرداخته است، هیچ اشاره ای به رژی مصر ندارد.

اعتمادالسلطنه نخستین کسی بود که در سال ۱۳۰۳ق با تألیف رساله "کلید استطاعت"، انحصار دخانیات و مقررات مربوط به آن را تدوین نمود. (تیموری: ۱۳۵۸: ۱۲) با وجود این هیچ گزارشی از انعقاد قرارداد ۱۴ نوامبر ۱۸۹۴ میان دولت ایران و خلیل پاشا خیاط در کتاب "روزنامه خاطرات" وی ثبت نشده است.

رودی متی (Rudi Matthee) استاد دانشگاه دلاور (Delaware) ایالات متحده امریکا در کتاب خود به نام *سرگذشت لذت: مواد مخدر و مواد تحریک کننده شادی آور در تاریخ ایران، ۱۹۰۰-۱۵۰۰* چاپ سال ۲۰۰۵، به تفصیل درباره مواد مخدر تحریک کننده از جمله تنباکو در دوره صفویه و قاجار به بحث پرداخته است.

رودی متی که اثر او در نوع خود از جامع ترین پژوهش های موجود بوده، بسیاری از بایگانی های معتبر اسناد در کشورهای مختلف و از جمله کتابخانه مجلس ایران را مورد تحقیق قرار داده، به بررسی تاریخچه چهار عنصر شادی آور در ایران می پردازد: شراب، تریاک، تنباکو و قهوه. رودی متی بعد از بحث درباره ریشه ی پیدایش هر کدام از این عناصر در تاریخ ایران، به سیر تحول جذب آن ها در جامعه ایرانی به تفصیل بحث می کند.

نویسنده کتاب *سرگذشت لذت*، نسبت به بحث تجارت تنباکوی ایران علاقه چندانی نشان نمی دهد، حال آن که به نقش اجتماعی و فرهنگی تنباکو از منظر لذت بطور وسیع به بحث می پردازد. البته اعتراض مردم ایران نسبت به قرار داد رژی در اثر وی انعکاس نسبتاً قابل ملاحظه ای یافته است. (Rudi Matthee, 2005: 230-235) عمده ترین انتقاد وارد بر کار رودی متی، عدم تحقیق وی در مهمترین مراکز اسناد ایران است. اسناد بسیاری در بایگانی های سازمان اسناد ملی ایران و مرکز اسناد وزارت امور خارجه ایران وجود دارد که می توانست کتاب رودی متی را غنی تر سازد.

رودی متی در پی یک بررسی گسترده به این نتیجه می رسد که ایران در عصر صفویه از طریق پرتغالی ها با تنباکو آشنا شد (Rudi Matthee, 2005: 123-124) و استقبال از تنباکو در جامعه ایران آنقدر گسترش پیدا کرد که در نیمه قرن هفدهم میلادی، ایرانیان عصر صفویه حتی در مساجد دخانیات استعمال می کردند. (Ibid P.127) ایران در اوایل قرن هفدهم بخش عمده

تنباکوی مورد نیاز خود را از شبه قاره هند وارد می کرد (Ibid P.123) حال آنکه نیم قرن پس از آن، ایران در تولید تنباکو خود کفا گشت و خود صادر کننده تنباکو شد. در این زمان هند، امپراتوری عثمانی و روسیه وارد کننده تنباکوی ایران بودند. (Ibid P. 127-128)

در دوره پادشاهی قاجارها مصرف تنباکو واستعمال دخانیات، از مرز یک تفریح فردی گذشته و دارای نقش اجتماعی شد، این موضوع در کتاب رودی متی به کمال انعکاس یافته و توسط مؤلف با دقت زیادی برجسته شده است. (Ibid, P.226) در آخرین دهه از سلطنت ناصرالدین شاه، از جمعیت ده میلیونی کشور ایران، در حدود دویست هزار نفر در روستاهای ایران به کار کشاورزی و تجارت آن اشتغال داشته اند. (Ibid PP.228 & 236) مهمترین مراکز کشت تنباکوی ایران ولایات مرکزی و جنوبی بود. از نقطه نظر تجارتي، تنباکوی کشت شده در نواحی جنوبی و مرکزی به طور عمده به عثمانی و مصر صادر می شده و محصول نواحی شرقی و جنوب شرقی ایران به مصرف داخلی می رسیده است. (سعید نفیسی، مجله فلاح و تجارت، سال اول، شماره ۱۴ و ۱۵، ص ۲۵۵). در گیلان نیز توتون سیگار سامسون کشت می شد. (Ibid, P.230)

هما ناطق (۱۳۷۳) در اثر ارزشمند خود، بازرگانان در داد و ستد با بانک شاهی و رژی تنباکو که بطور عمده با استفاده از اسناد بایگانی حاجی محمد حسن امین الضرب تألیف شده است، به تفصیل به نقش شبکه گسترده ی تجارتي امین الضرب در زمان فعالیت نمایندگان شرکت رژی در ایران می پردازد. کار وی در معرفی تشکیلات امین الضرب بسیار با ارزش است اما اثر او درباره ی شکست انگلیسی ها در انحصار خرید و فروش تنباکوی ایران و کار صادرات تنباکوی ایران به عثمانی از طریق قرارداد ۲۵ سپتامبر ۱۸۹۲ (ربیع الثانی، ۱۳۱۰ هـ. ق) به «کمپانی انحصار ادخال تنباکو» اطلاعات چندانی در اختیار خوانندگان خود قرار نمی دهد. شکست انگلیسی ها در انحصار خرید و فروش تنباکوی ایران و کار صادرات تنباکوی ایران به عثمانی از طریق قرارداد ۲۵ سپتامبر ۱۸۹۲ (۴ ربیع الثانی ۱۳۱۰ هـ. ق) به «کمپانی انحصار ادخال تنباکو» واگذار گردید، اثر خانم ناطق اطلاعات چندانی در اختیار خوانندگان خود قرار نمی دهد و او خود در پایان کتاب

متواضعانه به این حقیقت معترف است. (هما ناطق ۱۳۷۳: ۲۸۸) کتاب "بازرگانان در داد و ستد..." درباره قرارداد ایران با خلیل پاشا خیاط به طور مطلق سکوت کرده است.

حسن سمسار در مقاله "نظری بر پیدایش چقیق و قلیان در ایران" صرفاً به تاریخچه پیدایش توتون و تنباکو در جهان و چگونگی ورود آن به ایران بحث نموده و نیز به انواع چقیق و قلیان در شهرهای ایران می پردازد. (مجله هنر و مردم، سال ۱۳۴۲، شماره ۱۷، ص ۲۵-۱۴)

بخش عمده‌ی تنباکوی ایران از بندر بوشهر و نیز مقدار کمی از آن از طریق "بندر عباسی" به مصر صادر می شد. به همین دلیل در تحقیقی که از "اداره گمرک" و "سازمان میراث فرهنگی" بندر عباس به عمل آمد، مشخص شد، کمترین اطلاعی درباره‌ی بیست و دو سال صادرات تنباکوی ایران به مصر در این شهر بندری موجود نیست.

درباره‌ی صادرات تنباکوی ایران به مصر، منابع اطلاعات بسیار اندکی در اختیار می گذارند، با وجود این می توان فرض کرد که حجم تجارت میان دو کشور می باید بسیار بیشتر از آن باشد که در منابع انعکاس یافته است. نگارنده در صدد است تا از طریق مقاله حاضر و با کمک اسناد نو یافته، سازوکار داد و ستد تجارت تنباکو با کشور مصر را آشکار نماید. همچنین کاوش در اسناد به ما درباره‌ی پرسش های بسیاری از جمله علل ناکامی دولت ایران، نه تنها در تجارت تنباکو بلکه به طور عموم در اداره‌ی کلیه امور جامعه، پاسخ می دهد.

دوران انعقاد قرارداد ۱۴ نوامبر ۱۸۹۴

در دوران مورد بحث مقاله حاضر، جامعه ایرانی با تهاجم وسیع متقاضیان اروپائی برای دریافت امتیازات از هر گونه بوده است. این ماجراجویان خواهان امتیاز، برای نیل به اهداف خود، فقط کافی بود پادشاه و درباریان را با رشوه تطمیع کرده تا بخشی از منابع مالی این کشور را از طریق یک قرارداد سهل و ساده طعمه قراردادده و ببلعند.

امتیاز رویتزر که قرارداد آن در ۲۵ ژوئیه ۱۸۷۲ (جرج کرزن، ۱۳۶۷: ۶۲۲- ۱/۶۲۱) منعقد گشت، زخم عمیقی در احساسات ایرانیان به جا گذاشت. حوزه‌ی اختیارات ناشی از این امتیاز چنان گسترده بود که "وقتی که متن آن به نظر اهل جهان رسید دریافتند که مشتمل بر کامل ترین مواد و

واگذاری در بست کلیه ی منافع صنعتی یک کشور در دست خارجی است که مانند آن هرگز به وهم و گمان احدی در نیامده بود و در تاریخ سابقه نداشته است." (همانجا: ۶۲۲)

اگرچه قرارداد فوق که با حمایت جدی صدر اعظم ایران، میرزا حسین خان سپهسالار بسته شد، با موجی از مخالفت های داخلی و خارجی مواجه شد و ناصرالدین شاه ناگزیر آن را لغو نمود و صدر اعظم خود نیز قربانی این موج مخالف گردید، اما آثار سیاسی اجتماعی نامطلوبی از خود به جا گذاشت.

دولت ایران در ۲۷ رجب ۱۳۰۷ (۲۰ مارس ۱۸۹۰) "امتیاز نامه" یا "انحصارنامه"ی رژی را که مواد آن شامل "خرید و فروش و ساختن، در داخل و خارج، کل توتون و تنباکو را که در ایران به عمل آورده می شود، به مدت پنجاه سال در انحصار تالبوت و شرکاء واگذار می کند." (فریدون آدمیت ۱۳۶۰: یادداشت تاریخی)

بعد از اعتراض وسیع مردم به اعطای امتیاز تنباکو به کمپانی رژی و لغو این امتیاز، دولت ایران در ۴ ربیع الاول ۱۳۱۰ برابر با ۲۵ سپتامبر ۱۸۹۲ با "کمپانی انحصار ادخال تنباکو در خاک عثمانی" وارد قرار داد شده و امتیاز صادرات تنباکو به عثمانی را به شرکت فوق واگذار نمود. (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۵۱/۲۴۰۰/۳۰۲/۳۰۵ف ۱۲۵)

در واقع این شرکت به نمایندگی از شرکت فرانسوی "شرکت تنباکو" که در قسطنطنیه تأسیس شده بود، عمل می کرد. زیرا در جریان اعتراض مردم به امتیاز کمپانی رژی، ایرانی ها نسبت به فروش تنباکو به غیر مسلمانان به شدت حساس و معترض شده بودند. از اینرو در فصل اول قرارداد دولت ایران با "کمپانی انحصار ادخال تنباکو در خاک عثمانی" تأکید شده است: "کلیه خریداری کمپانی در ایران به توسط تبعه مسلمین ایران خواهد شد." (سازمان اسناد ملی ایران، همانجا، همان سند)

دولت ایران بر خلاف امتیاز سال ۱۳۰۷ که انحصار خرید و فروش کلیه تنباکوی ایران را به شرکت تالبوت واگذار کرد، در مورد رژی عثمانی جانب احتیاط را رعایت نمود و صرفاً امتیاز صادرات تنباکوی ایران به این کشور را به "کمپانی انحصار ادخال تنباکو در خاک عثمانی" اعطا نمود. بنابراین به منظور صادرات تنباکو به جز کشور یاد شده، این حق را برای خود قائل شد با

شرکت های دیگر وارد مذاکره شود. از اینرو دو سال بعد از تشکیل رژی فوق، دولت ایران از طریق قرارداد ۱۴ نوامبر ۱۸۹۴، امتیاز صدور تنباکو به کشور مصر را به یک شهروند اهل این کشور به نام خلیل پاشا خیاط واگذار نمود. (سازمان اسناد ملی ایران، همانجا، همان سند و نیز مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۱-۷-۷۹-۱۳۲۶ق)

قرارداد یاد شده که توسط میرزا اسحق خان "وکیل سیاسی و جنرال قونسول ایران در مصر" به نمایندگی از طرف دولت ایران و خلیل خیاط پاشا "تاجر صاحب امتیاز انحصار تنباکو در مصر مقیم اسکندریه" امضاء شد، در پنج فصل و به دو زبان فارسی و فرانسه تنظیم گردید. مطابق فصل اول، مدت قرار داد، بیست و دو سال از اول ژوئیه ۱۸۹۷ در نظر گرفته شد. برابر با فصل دوم قرار داد، شرکت مصری موظف شده بود که سالیانه مبلغ ۵۰۰۰ لیره انگلیسی در دو قسط به دولت ایران بپردازد. در هر سال، می باید قسط اول در اول ژانویه و قسط دوم در آغاز ژوئیه پراخت می گردید، به طوری که مجموع دریافتی دولت ایران از شرکت خلیل خیاط پاشا در مدت بیست و دو سال، بالغ بر یکصد و ده هزار لیره انگلیس می شد. اگر چه آغاز صدور تنباکوی ایران به مصر بر اساس قرارداد ۱۸۹۴، اول ژوئیه ۱۸۹۷ در نظر گرفته شده بود، ولی مطابق با اصل سوم قرار داد فوق، شرکت مصری متعهد شده بود، حقوق سالی ۵۰۰۰ لیره به دولت ایران را از ژانویه ۱۸۹۵ بپردازد. به این ترتیب پرداخت حق امتیاز دولت ایران، دو سال و نیم پیش از آن که صادرات تنباکو به مصر عملاً شروع شود، آغاز گردید.

در ۱۵/۲۷ دسامبر ۱۸۹۸ بر قرارداد یاد شده، ضمیمه ای مشتمل بر هفت ماده میان دولت ایران و خلیل خیاط به امضاء رسید. (سازمان اسناد ملی ایران، همانجا، همان سند و نیز مرکز اسناد وزارت امور خارجه ایران، ۲-۷-۷۹-۱۳۲۶ق) از مندرجات ضمیمه قرارداد ۱۴ نوامبر ۱۸۹۴ معلوم می شود که دولت ایران در ارتباط با حقوق خود در قبال اعطای امتیاز فروش تنباکو به مصر به شرایط بسیار زیان باری تن داده است. بر اساس فصل اول قرارداد ضمیمه، خلیل خیاط موظف شد که بدهی خود را با دولت ایران به روز، تسویه نماید. و فصل دوم آن بیان می داشت: "از اول

ژوئیه ۱۸۹۸ جناب خلیل پاشا خیاط برای هر حقه تنباکو مبلغ چهل و پنج پارا طلای مسکوک مصر^۱ بدولت علیه خواهد پرداخت."

فصل سوم ضمیمه بیان می دارد، خلیل خیاط می بایست در آغاز هر سال مبلغ سه هزار لیره انگلیس به عنوان مساعده به دولت ایران پردازد و "در اواخر سال تفریق حساب خواهد شد. اگر دولت علیه طلبکار باشد، فوراً جناب خلیل پاشا باید پردازد و چنانچه خلیل پاشا طلبکار باشد از مبلغ سه هزار لیره انگلیسی که برای مساعده سال بعد باید بدهد، محسوب خواهد داشت."

بنابر این بر اساس مفاد فصل دوم و سوم ضمیمه قرار داد یاد شده، سهم دولت ایران از صادرات تنباکو به مصر شناور بوده و وابسته به تعداد "حقه های تنباکوئی" می شد که خلیل خیاط به کشور خود ارسال می داشت. قرار بر این شد که درآمد دولت ایران از این تجارت، بر اساس آماره که دفتر گمرکات مصر از ورود تنباکوی ایران به این کشور ارائه می داد، تعیین گردد. (چهره نما، شماره ۳۸، سال ۱۴، ص ۱۱) حال آنکه در قرارداد اصلی (۱۴ نوامبر ۱۸۹۴) سهم سالیانه دولت ایران ثابت بوده و مبلغ ۵۰۰۰ هزار لیره انگلیس تعیین شده بود.

صادرات تنباکو به مصر از ۱۸۹۷ تا انقلاب مشروطه (۱۹۰۶م)

با وجود اینکه محتوای ضمیمه قرارداد (۲۷ دسامبر ۱۸۹۸) کاملاً به سود خلیل خیاط بود، ولی وی به تدریج در انجام تعهدات خود اهمال نمود و سرانجام اختلافات میان دو طرف پدیدار گشت. اختلاف میان دولت ایران و خلیل خیاط پاشا در کمتر از سه سال بعد از انعقاد ضمیمه قرارداد، چنان شدید شد که کار آنها به محاکم قضائی مصر کشیده شد.

نمایندگی سیاسی ایران در مصر که خود به لحاظ اداری زیر مجموعه ی "سفارت کبری ایران در اسلامبول" بود، دعوای حقوقی دولت ایران بر علیه خلیل خیاط را در قاهره پیگیری نمود. از طرف سفارت ایران در اسلامبول، شخصی به نام "مسیو کارتون دو یارت" به عنوان وکیل دعوای

۱. "۴۵" پاره که تقریباً معادل پانزده شاهی می شود. (سازمان اسناد ملی ایران، ۰۸۷۷۰/۳۶۰۰۰۷۵۰-ج ۴، آ ۱، سند: ۱۳ جدی ۱۳۲۹)

دولت ایران در پرونده حقوقی یاد شده به کار گرفته شد. (مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۲۷-۳۰-۱۳۱۸ ق، سند: ۱۴ ذیحجه ۱۳۱۷ق)

کارتون دو یارت در اولین تلاش خود بعد از طرح حقوق عقب افتاده دولت ایران توسط خلیل خیاط، موفق شد فضای دادگاه را چنان به سود ادعای ایران تغییر دهد که نامبرده حتی از تقاضای استیناف صرف نظر نمود. خلیل خیاط نیز محکوم به پرداخت مخارج دادگاه گردید. (همانجا، همان سند)

بنابر نظر سفارت ایران در اسلامبول، دولت ایران نمی توانست طرف مستقیم این دعوا در دادگاه قاهره باشد. لذا میرزا محمود خان علاءالملک که از سال ۱۳۱۲ق سمت سفیر کبیری ایران در اسلامبول را به عهده داشت (بامداد: ۴۱-۴۰) در ۲۰ ذیقعده ۱۳۱۷ طی نامه ای از میرزا نصراله خان مشیرالدوله که در همین سال با مرگ شیخ محسن خان مشیرالدوله به وزارت خارجه منصوب و به لقب وی ملقب شده بود (شیبانی، ۱۳۶۶: ۳۵۵) تقاضا می کند، به جهت رعایت مصالح دولت ایران باید به وسیله یک "انتقال نامه ای" حقوق دولت ایران به تقی خان معزالملک، دائی میرزا علی اصغر خان امین السلطان و رئیس کل گمرکات (میزان آقاسی) (بامداد، ۱۳۷۱: ۱/۲۲۳)، واگذار شده و به مهر صدراعظم^۱ و وزیر خارجه مهور گردد. (مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۲۷-۳۰-۱۳۱۸ ق، سند: ۲۲ محرم ۱۳۱۸)

میرزا نصراله خان مشیرالدوله وزیر خارجه، بلافاصله تقی خان معزالملک را در جریان امر گذاشته و او را متقاعد می کند که دولت ایران مجبور است به لحاظ صوری بیان دارد حقوق خود را از قبل امتیاز انحصار فروش تنباکوی ایران در مصر در قبال دریافت وجهی از معزالملک به او منتقل نموده، تا بدینوسیله در دادگاه، خلیل خیاط با نامبرده طرف حساب باشد. (مرکز اسناد وزارت خارجه ۲۷-۳۰-۱۳۱۸ق، سند: سلخ صفراالمظفر ۱۳۱۸) معزالملک با درخواست مشیرالدوله موافقت کرده و از جانب خود به میرزا محمود خان علاءالملک سفیر کبیر ایران در

۱. صدر اعظم ایران در این تاریخ میرزا علی اصغر خان امین السلطان بود. وی در ۲۲ ربیع الاول ۱۳۱۶ به جای میرزا علی خان امین الدوله به سمت صدر اعظمی منصوب و در ۲۲ جمادی الثانی ۱۳۲۱ به سود سلطان عبدالمجید میرزا عین الدوله از کار بر کنار شد. (شیبانی ۱۳۶۶: ۴۰۵، ۴۰۳، ۳۴۰)

اسلامبول و کالت داد که از طرف او از خلیل خیاط در دادگاه های مصر اقامه دعوی نماید. (همانجا، سند: ۷ ربیع الاول ۱۳۱۸) وزارت خارجه سپس از طریق یک حکم رسمی اعلام می دارد که دولت با موافقت پادشاه ایران، معزالملک را طرف حساب خلیل خیاط می داند. (همانجا، سند: ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۱۸)

سرانجام بعد از پنج ماه، نمایندگی سیاسی ایران در قاهره به وزارت خارجه اطلاع می دهد که در روز ۱۷ رمضان ۱۳۱۸ دادگاه خلیل خیاط را محکوم و مجبور به پرداخت تمام دیون خود به سفارت کبرای ایران در اسلامبول نموده است. (همانجا، سند: ۱۸ رمضان ۱۳۱۸) در نامه دیگری از قاهره به تهران، وزیر خارجه ایران در جریان مبلغی که خلیل خیاط پرداخته است قرار می گیرد. این مبلغ بالغ بر "دوهزار وهشتصد و چهل وهشت لیرای مصری و هفتادوهشت غروش و نیم که تقریباً سه هزار و دوست لیرای عثمانی" می شد که از طریق بانک "کردی لیون" در قاهره به حساب سفارت کبرای ایران در اسلامبول ارسال گشت. (همانجا، سند: ۱۷ ذیقعد ۱۳۱۸)

در میان اسناد موجود در مرکز اسناد وزارت امور خارجه و سازمان اسناد ملی ایران، در ارتباط با مسائل مربوط به "رژمی مصر" در سال ۱۳۱۹ ق تا کنون سندی یافت نشد، اما تراکم اسناد در سال ۱۳۲۰ ق قابل ملاحظه است. این امر احتمالاً یا به دلیل تحرک بیشتر "مامور ایرانی در مصر" در سال اخیر می باشد، یا اینکه اسناد مربوط به سال ۱۳۱۹ ق مفقود شده است.

تفاوتی که میان اسناد سال ۱۳۲۰ ق با اسناد سال های پیش از آن وجود دارد، در ذیل نامه های ارسالی از مصر، امضای نویسنده نامه ها، میرزا فرج الله خان، به چشم می خورد. حال آنکه همه گزارش های مربوط به سال های قبل از ۱۳۲۰ ق فاقد امضاء هستند. اما از آنجا که محتوای نامه ها در همه ی این سال ها هم به لحاظ سبک نگارش و نیز نوع برخورد استدلالی نویسنده نامه ها نسبت به مسائل مربوط به انحصار تنباکوی ایران در مصر، مشابه هستند و نیز از طرف دیگر می دانیم که میرزا فرج الله خان مستنصر السلطنه از سال ۱۳۱۴ ق تا ۱۳۲۱ ق مأمور سیاسی دولت ایران در مصر بوده است (رجال وزارت خارجه: ۱۹۴) معلوم می شود، نویسنده کلیه نامه ها در این ایام مستنصر السلطنه بوده است.

گزارشات مربوط به ماه محرم ۱۳۲۰ دو موضوع را در بر می گیرد:

از تهران به مستنصرالسلطنه دستور می رسد که خلیل خیاط کل سهم دولت ایران برای سال ۱۹۰۱ را در آخر ماه دسامبر با سفارت ایران در اسلامبول تسویه نماید. این امر مورد موافقت خلیل پاشا خیاط قرار نمی گیرد، زیرا "تمام حسابات او با حکومت و گمرک مصر و جمیع دفاتر او از ماه ژوئیه شروع کرده هر ساله در آخر ماه ژون ختم می شود و به این سبب نمی تواند دفتر و حساب جداگانه از اول ژانویه نوشته حساب دولت علیه (ایران) و حساب حکومت مصر را مخلوط نماید". (مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۸۱-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق) به عبارت روشن تر، سال مالی در مصر از اول ماه ژوئیه هر سال شروع می شد ولی با تقاضایی که دولت ایران از خلیل خیاط داشت او مجبور بود سال مالی خود را از اول ژانویه هر سال آغاز کند.

دیگر اینکه تمام وجوهاتی که از بابت تجارت تنباکوی مصر تا این زمان، سهم دولت ایران می شد، خلیل خیاط آن را با سفارت ایران در اسلامبول تسویه می کرد. حال آن که دولت ایران توقع داشت، او حقوق ایران را از آغاز سال ۱۹۰۲ با اداره‌ی گمرک این کشور تسویه نماید. خلیل خیاط ابتدا از این شیوه پرداخت سرباز می زند ولی به دلیل اینکه "تمام قرارنامجات موجود به نام دولت ایران تنظیم و امضا شده است" وی با اصرار مستنصرالسلطنه موافقت می کند:

"من بعد هر ساله به موجب اجازه و اشعار مخصوص دولت علیه وجه ملزمی خودش را به دو قسط شش ماهه در آخر ژون و در آخر دسامبر به اداره گمرک دولت علیه پردازد ولکن قسط دسامبر را به عنوان علی الحساب پرداخته، ختم حساب هر سال باز در آخر ژون باشد. به این ترتیب هم مقصود دولت علیه حاصل می شود و هم حساب و دفاتر خلیل پاشا خیاط را همه ساله می توان با دفاتر گمرک مصر تطبیق کرده در آخر ژون هر ساله از اداره گمرک مصر تصدیق نامه طلب نمود." (همانجا، سند: ۲۲ محرم ۱۳۲۰، نمره ۴۳)

موضوع دیگری که در مکاتبات سال ۱۳۲۰ق به چشم می خورد، بحث تغییر در تعرفه گمرکی و نیز تقلب در تنباکوی صادراتی به مصر است. از گزارش ۱۴ محرم ۱۳۲۰ مستنصرالسلطنه چنین فهمیده می شود که خلیل پاشا خیاط تا این سال برای تنباکوی ایران ۷۵ درصد تعرفه گمرکی می پرداخته است: "تلگرام رمز مبارک درباب موقوف شدن رسم گمرک

صدی هفتاد و پنج از تنباکوی محمولی مصر و مقرر شدن رسم معمولی صدی پنج زیارت شد." (همانجا، ۲-۱-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق، سند: نمره ۴۰)

در گزارش دیگری، مستنصرالسلطنه به وزارت خارجه تذکر می دهد، صاحبان انحصار تنباکوی ایران در اسلامبول و مصر فقط ۵ درصد تعرفه گمرکی می پردازند، در که حالی همین تعرفه برای بقیه تجار خارجی ۷۵ درصد است، بنابراین خلیل خیاط و تجار عثمانی می توانند با استفاده از این تفاوت قابل ملاحظه، تنباکوی ایران را با مالیات ۵ درصد به کشورهای دیگر صادر کنند: "به موجب حساب تخمینی که فدوی به دست آورده است، سالیانه به قدر ششصد کیسه تنباکوی ایران در یونانستان و بقدر چهارصد کیسه در فرنگستان و آلژری (الجزیره) و مغرب و آمریکا به مصرف می رسد و تمام این تنباکو از بوشهر حمل می شود یا از راه اسلامبول می آید" در این صورت می تواند "تمام تنباکوی ایران به رسم صدی پنج" از ایران خارج شود. (همانجا، ۷۵-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق، سند: نمره ۴۴)

چون هر کیسه تنباکو ۶۰ کیلو گرم وزن داشت (سازمان اسناد ملی ایران ۱۷۲۵۰/۲۴۰۰۷۰۵/۱۳۳۱۳۰۵۰۱۳۲۰ق، سند: ۲۸ مارس ۱۹۰۳، نمره ۱۰۲) سالانه ۶۰ تن تنباکوی ایران که می باید با تعرفه گمرکی ۷۵ درصد صادر شود، با تعرفه ۵ درصد به خارج از کشور قاچاق می شد. البته دیرتر نشان خواهیم داد، برآورد میرزا فرج الله خان مستنصرالسلطنه بسیار کمتر از مقدار تنباکوئی است که با تعرفه تخفیفی پنج درصد از ایران به قصد مصر صادر می شد، ولی به این کشور وارد نمی شد.

مستنصرالسلطنه در جای دیگر با تأکید مجدد بر تقلب در صادرات تنباکوئی که از بنادر "بوشهر و عباسی و محمره" به مقصد مصر ارسال شده ولی در آنجا به عنوان ترانزیت به کشورهای دیگر حمل می شود، می نویسد: "در این صورت گمرک مصر به هیچ وجه نمی تواند متعرض بشود و ما عهداً نمی توانیم از حکومت مصر متوقع بشویم که ترانسیت تنباکو را در مصر مانع بشود" (مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۳۸-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق، سند: ۸ جمادی الاولی ۱۳۲۰ نمره ۸۱)

به جهت جلوگیری از زیان بیشتر، مستنصرالسلطنه با خلیل خیاط وارد مذاکره شده و نامبرده بصورت دو پهلو بیان می دارد، دولت ایران می تواند، فقط به نمایندگان رسمی او "در اصفهان (یوسف الیاس Yussef Elias)" و در "بندر بوشهر شرکای ملکوم (A.T.J.Malcolm)" تنباکو بدهد. (همانجا، ۷۵-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق، سند: نمره ۴۴)

نماینده ایران در مصر به جهت چاره جوئی و یافتن یک راه حل مطمئن برای مبارزه با تقلب در صادرات تنباکوی ایران، از وزارت خارجه تقاضا می کند به او اجازه دهند، تا از خلیل خیاط بطور رسمی تضمین بگیرد که جز نمایندگان او "احدی نباید تنباکو به عنوان مصر حمل بکند. در اینصورت دولت علیه در آخر هر سال می تواند حساب بکند که از گمرک ایران چقدر تنباکو به اسم مصر بیرون آمده است و چقدر وارد مصر شده است و اگر تفاوت کلی در بین اخراجات ایران و ادخالات مصر ظاهر شده تقلب واضح می شود. به همین ترتیب ممکن است مونوپول اسلامبول را هم عزم نمود..." (همانجا، همان سند)

در صورت کشف تقلب، خلیل پاشا مجبور خواهد بود صدی هفتاد و پنج گمرکی تنباکوی تقلبی خود را پردازد و اداره گمرک ایران کسی را بجز نمایندگان رسمی خلیل پاشا نشناسد و "از مومی الیه نیز برای هر بارخانه تصدیق علیحده بطلبند که تنباکوی مرسولی آن بارخانه به مصر داخل شده است. در اینصورت جلو هرگونه تقلب بسته میشود." (همانجا، ۳۸-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق، سند: ۸ جمادی الاولی ۱۳۲۰ نمره ۸۱)

وکیل سیاسی ایران در مصر راه حلی را به خلیل پاشا می قبولاند که او کتباً به مستنصرالسلطنه اظهار دارد:

"هر تنباکوی که تجار بوشهر به اسم خلیل خیاط، حمل کشتی می کنند مخصوص رژی مصر است و در خاک مصر استهلاک خواهد شد و از کشتی به اسم خلیل خیاط مانیفست (Manifest) گرفته به گمرک بوشهر ارائه بکنند و علاوه بر آن تاجری که به این نحو تنباکو به اسم خلیل پاشا خیاط حمل می کند سندی به گمرک بوشهر بدهد که از گمرک خانه اسکندریه به تصدیق این وکالت سیاسی تصدیقنامه گرفته اثبات بکند که تنباکو وارد مصر شده است و این تصدیقنامه را بگمرک بوشهر داده سند خود را مسترد بدارد و در سند مذکور شرط بکند که اگر

می خواهد، رسماً به دولت ایران اعلام دارد که شرکت جدید کلیه تعهدات ایشان را که "در قرارنامهجات ۱۴ نوامبر ۱۸۹۴ و در قرارنامه ملحقه مارالذکر مصرح" بوده و نیز "فقره حکمیت" را که در بند چهارم از "قرارنامه ۱۴ نوامبر ۱۸۹۴ مصرح و مذکور است" می پذیرد. (همانجا، ۴۹-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق سند: اسکندریه ۷ ژوئیه ۱۹۰۲، نمره ۱۲۷)

نماینده‌ی سیاسی دولت ایران در مصر، با وزیر خارجه مصر، پطرس پاشا عالی، ملاقات کرده و نگرانی دولت ایران را از انتقال امتیاز خلیل پاشا به شرکت تازه تأسیس آنونیم بیان داشت. پطرس پاشا عالی "اظهار داشت که انعقاد شرکت آنونیم به منافع و صوالمح دولت علیه ایران خللی وارد نمی آورد. همان قرار را با شرکت آنونیم مجری می دارند." (همانجا، همان سند) در ادامه مسئولین مصری پاسخی محکم و محکمه پسند به مستنصر السلطنه می دهند:

"به موجب بند سیم مقاوله نامه که فیما بین دولت علیه و خدیویت مصر بتاريخ ۱۴ آوریل ۱۸۸۷ به توسط جنابان حاجی محمد خان مرحوم و نوبار پاشا منعقد شده است تصریح شده است در این باب به حکومت مصر جای اعتراض نیست. همچنین به موجب بند ششم قرارنامه ملحقه (۱۵/۲۷ دسامبر ۱۸۹۸) که فیما بین سفارت کبرای اسلامبول و خلیل پاشا خیاط امضاء شده است تصریح شده که خلیل پاشا خیاط می تواند امتیاز مونوپول تنباکو را به یک شرکت واگذار بکند و شرکت مذکوره باید کافه تعهدات خلیل پاشا خیاط را در عهده بگیرد." (همانجا، ۶۹-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق سند: ۲۱ صفر ۱۳۲۰ نمره ۵۷)

خلیل پاشا شخصاً بنا به تقاضای حکومت مصر در شرکت جدید "عنوان مدیر مبعوث خواهد داشت و در این صورت طرف حساب و سؤال و جواب شخص او خواهد بود." (همانجا: سند ۱۴ شهر ربیع الاول ۱۳۲۰)

سماجت و پیگیری مستنصر السلطنه سبب شد که خلیل خیاط یک نسخه از صورت جلسه هیئت مدیره^۱ و اساسنامه‌ی شرکت جدید و مدارکی که دلالت بر تأیید شرکت مورد بحث

۱. در متن سند "صورت محضر مجلس اداره شرکت" قید شده است.

به وسیله‌ی مقامات عالی‌رتبه دولت مصر داشت، به جهت تقدیم به "دولت علیه"، به نماینده ایران در مصر ارسال کند. (همانجا، ۴۷-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق سند، ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۲۰ نمره ۷۰)

در مدارکی که توسط خلیل پاشا ارائه شده بود، به ویژه در "صورت مجلس اداره‌ی انحصار شرکت تنباکو منعقد در ۹ ژوئیه ۱۹۰۲" براین امر صحه می‌گذارد، شرکت جدید تمام تعهدات مندرج در قرارداد ۱۴ نوامبر ۱۸۹۴ و قرارداد الحاقی ۲۷ دسامبر ۱۸۹۸، از جمله "حکمت که در مقاله نامه ۱۴ نوامبر ۱۸۹۴ ذکر شده است" را می‌پذیرد. (همانجا، ۲۶-۲۹/۱-۲۵-۱۳۲۰ق و نیز همانجا، ۳۳-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق)

همچنین خیاط یادآور می‌شود، به موجب بند ششم از قرارداد الحاقی ۲۷ دسامبر ۱۸۹۸، تأسیس شرکت جدید بلامانع بوده، لذا این شرکت را تأسیس نموده است. (همانجا، ۳۷-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق سند: ۱۸ ربیع الثانی ۱۳۲۰ نمره ۷۲) مسیو کارتون دو یارت، وکیل حقوقی دولت ایران، در دعوی پیشین با خلیل پاشا، نیز ادعای نامبرده را در تأسیس شرکت جدید مورد تأیید قرار می‌دهد. (همانجا، همان سند)

مستنصرالسلطنه تأکید جدی خلیل خیاط را در حاشیه سند مبنی بر اینکه "دوازده هزار و پانصد لیرای انگلیسی را که به‌عنوان سلف به توسط جناب مفخم الدوله^۱ به دولت علیه داده است و همچنین مبلغ سه هزار لیرای انگلیسی را که به‌عنوان تأمین به توسط (میرزا محمود خان) علاءالملک^۲ کارسازی کرده است، دولت علیه به حساب شرکت جدید باید محسوب بدارد" (همانجا، ۴۷-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق سند: ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۲۰ نمره ۷۰)، به وزارت خارجه ایران خاطر نشان می‌سازد. خلیل خیاط "همه روزه در این باب اصرار و اظهار می‌دارد که تأخیر در باب مبالغ مذکوره اسباب تأخیر کار شرکت و موجب مضرت مشارالیه میشود." (همانجا، ۳۵-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق سند: ۸ جمادی الثانی ۱۳۲۰ نمره ۸۴)

نامبرده با چنان اعتماد به نفسی با مسئولین ایرانی به مذاکره می‌پرداخت که به حالت تهدید اعلام می‌داشت، چنانچه دولت ایران مبلغ دوازده هزار و پانصد لیرای انگلیسی را که "در سال

۱. میرزا اسحاق خان مفخم الدوله از ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۵ق وزیر مقیم ایران در مصر بود. (بامداد: ۱۰۹)

۲. میرزا محمود خان علاءالملک برای مدت هفت سال (۱۳۱۲-۱۳۱۹ق) سفیر کبیر ایران در اسلامبول بود. (بامداد: ۴۱-۴۰)

۱۸۹۴ در ضمن قرارنامه اولی به عنوان تسلیف به دولت علیه کارسازی نموده است و همچنین مبلغ سه هزار لیرای انگلیسی را که در سال ۱۸۹۸ در ضمن عقد قرارنامه ثانوی بعنوان تأمین " پرداخته است، در حساب شرکت آنونیم منظور ندارد، سهم ایران را برای سال مالی ژون ۱۹۰۱-ژون ۱۹۰۲ نخواهد پرداخت. (همانجا، ۳۷-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق سند: ۱۸ ربیع الثانی ۱۳۲۰ نمره ۷۲)

وزارت خارجه ایران تمام مدارک مربوط به تأسیس شرکت آنونیم را که به وسیله مستنصرالسلطنه دریافت کرده بود، به جهت کسب مشورت از مسیو پریم، که به طور موقت در جای نوز قرار گرفته بود، به اداره کل گمرکات ارسال داشت، ولی پریم از هرگونه اظهار نظری امتناع ورزید. سرانجام به منظور کسب تکلیف، میرزا نصراله خان مشیرالدوله مدارک فوق را برای میرزا علی اصغر خان امین السلطان، اتابک اعظم، که در این زمان صدر اعظم ایران بود (بامداد: ۴۱۵) می فرستد. (مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۵۸-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق سند: ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۲۰ نمره ۱۴۵۶ و نیز همانجا، ۳۲-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق سند: ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۲۰)

ظاهراً تصمیم دولت مردان ایرانی چنین رقم می خورد که سفارت ایران در اسلامبول مذاکرات با خلیل پاشا را به سرانجام برساند. بنابراین مشیرالدوله از یک طرف به میرزا رضاخان ارفع الدوله، که در این زمان سفیر ایران در اسلامبول بود (رجال عصر مشروطیت، ص ۲۱) مأموریت داد تا "به مشاوره با مسیو بارووسی که انعقاد کتراتها باستحضار او بوده و در این فقره اطلاع کامل دارد هر طور صلاح دانستید به او دستورالعمل بدهید که از همان قرار معمول دارد" و از طرف دیگر به مستنصرالسلطنه دستور می دهد تا رونوشت کلیه اسناد و مدارک مربوط به خلیل پاشا را برای ارفع الدوله ارسال دارد. (همانجا، ۲۵-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق سند: ۱۴ رجب ۱۳۲۰ و نیز، همانجا، ۲۲-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق سند: ۲۹ رجب ۱۳۲۰)

ادعای خلیل پاشا در ارتباط با ۱۲۵۰۰ لیره ای که نامبرده در سال های آغازین تجارت تنباکو، به دولت ایران پرداخته بود، مشکل ترین مبحثی بود که توجه مسئولین ایرانی را به خود جلب کرده بود.

مستنصرالسلطنه در ۱۶ دسامبر ۱۹۰۲/۱۴رمضان ۱۳۲۰ طی نامه ای خطاب به میرزا رضا خان ارفع الدوله درباره راه حلی صحبت می کند که در مذاکرات شفاهی با خلیل خیاط برای عملی

کردن آن به توافق رسیده است. او از ارفع الدوله تقاضا می کند در صورت موافقت به وی اجازه داده شود تا مضمون مذاکرات شفاهی با خلیل پاشا را به صورت یک قاعده مکتوب بین طرفین دعوا تثبیت نماید. (همانجا، ۷-۱-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق)

سرانجام بحث بر سر شناسایی شرکت جدید خلیل پاشا توسط دولت ایران، منجر به تسویه حساب کلی میان طرفین گردید. مستنصر السلطنه در ۱۸ فوریه ۱۹۰۳/۲۰ ذی قعدة ۱۳۲۰ رسماً به خلیل پاشا اطلاع می دهد که دولت ایران "حاضر است کمپانی انحصار تنباکو را که سرکار تأسیس کرده اید به جای شما بشناسد." و نظر خود را به عنوان نماینده سیاسی ایران در مصر به منظور تسویه حساب نهایی درباره ی دو مبلغ ۱۲۵۰۰ و نیز ۳۰۰۰ لیره ای که طلب خلیل خیاط از دولت ایران محسوب می شد، به وی ابلاغ می کند. (سازمان اسناد ملی ایران، ۸۷۷۰/۳۶۰۰۰۷۵۰/ج ۴ و ۱۰-۱۸ فوریه ۱۹۰۳ و نیز، همانجا، ۱۸۸۳۳/۲۴۰۰۲۱۲/۳۱ و نیز، مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۱۰-۱-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق و ۱-۱۲-۳۱-۱۳۲۱ق)

خلیل پاشا ضمن تأیید تمام مواد مندرج در نامه (۱۸ فوریه ۱۹۰۳) مستنصر السلطنه، نوشته ای از خود به جا گذاشت که می توانست در آینده، چنانچه طرف ایرانی از زیرکی لازم برخوردار بود، به زیان او پیامدهای حقوقی داشته باشد. بدلیل اهمیت تاریخی این اعتراف نامه از جانب خلیل خیاط، ما بخش مهمی از آن را در اینجا می آوریم:

"بنابراین تمام محاسباتی که بین دولت ایران و صاحب امتیاز موجود بوده ختم و مفروغ ملاحظه خواهد شد مگر استثنای ذیل که راجع می شود به یک فقره مساعده ۱۲۵۰۰ لیره انگلیسی که صاحب امتیاز از بابت پنج قسط شش ماهه اواخر مدت امتیاز پرداخته و یک فقره ۳۰۰۰ لیره انگلیسی که به عنوان امانت سپرده شده جمعاً ۱۵۵۰۰ لیره انگلیسی و از این قرار پرداخته خواهد شد.

پنج قسط شش ماهه به مبلغ ۱۲۵۰۰ لیره انگلیسی که به عنوان مساعده صاحب امتیاز پرداخته است قطعاً از بابت پنج قسط آخر مدت امتیاز یعنی از بابت اقساط مقرر از اول ژانویه ۱۹۱۷ تا اول ژوئیه ۱۹۱۹ محسوب خواهد شد و در ظرف مدت مزبوره هر چند هم مقدار تنباکوی محموله به مصر کم یا زیاد شود، اقساط مقرر فوق تفاوت نخواهد کرد مگر به اندازه ای تنباکو حمل شود

که به موجب کتبرات یعنی از قرار حقه ای ۴۵ پاره رسوم آن از پنج هزار لیره انگلیسی در سال متجاوز باشد. در اینصورت تمه آن را کمپانی صاحب امتیاز خواهد پرداخت.

از طرف دیگر مبلغی که به عنوان امانت سپرده شده است (سه هزار لیره انگلیسی) در آخر مدت امتیاز یعنی در ظرف مدت دو سالی که به موعده پرداخت پنج قسط شش ماهه ی فوق الذکر باقی مانده محسوب خواهد شد. " (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۸۷۷۰/۳۶۰۰۰/۷۵۰ ج ۴ و آ سند: ۱۹ مارس ۱۹۰۳)

گزارش ۴ ربیع الثانی مستنصر السلطنه برای ما از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا با اطلاعات جزئی که در اختیار می گذارد بعضی از نکات مبهم روشن می شود.

۲۴ ربیع الاول ۱۳۲۰ برابر با آخر ژون ۱۹۰۲ بود، لذا سال مالی در مصر و نیز برای شرکت خلیل پاشا خیاط به پایان می رسید. این امر دو مطلب مهم را مشخص می کند: نخست اینکه درآمد دولت ایران از صادرات تنباکو به مصر در شش ماهه ی اول سال مالی که از اول ژوئیه ۱۹۰۱ تا آخر دسامبر ۱۹۰۱ می شد، اختصاص به سفارت کبرای ایران در اسلامبول می یافت و همین درآمد برای نیمه دوم سال مالی (اول ژانویه ۱۹۰۲ تا آخر ژون ۱۹۰۲) به "وزارت جلیله گمرک" تعلق می گرفت. (مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۴۸-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ ق سند: ۴ ربیع الثانی ۱۳۲۰ نمره ۶۸)

براساس گزارش گمرک دولت مصر، حجم صادرات تنباکوی ایران به مصر برای شش ماهه ی اول سال مالی یاد شده، بالغ بر "شصت و پنج هزار و ششصد و هشتاد و پنج (۶۵۶۸۵) حقه و سیصد و نود و دو درهم" می شده است که درآمد دولت ایران از این بابت "از قرار هر حقه چهل و پنج پاره ی مصری یعنی یک غروش و ثمن (یک و یک هشتم غروش) استحقاق دولت علیه هفتصد و سی و هشت لیرای مصری و نود و هفت غروش صاغ^۱ یعنی هفتصد و پنجاه و هفت (۷۵۷) لیرای انگلیس و هیجده شلن می شود." و در شش ماهه ی دوم "هفتاد و هشت هزار و ششصد و پنجاه و شش (۷۸۶۵۶) حقه و سیصد و نود و یک درهم تنباکو وارد مصر شده است که

۱. دهخدا: صاغ (ترکی) (قروش...) قروش صحیح است مساوی با چهل پاره.

استحقاق آن از قرار هر حقه چهل و پنج پاره‌ی مصری یعنی یک غروش و ثمن (یک و یک هشتم) بالغ می شود بر: " نهصد و هفت (۹۰۷) لیرای انگلیسی و هفت شلن." (همانجا، همان سند)

از گزارش بالا معلوم می شود، مصر سالانه بطور تقریب ۱۴۴۳۴۱ حُقَه یعنی معادل ۱۸۷۴۹۸ کیلوگرم تنباکو از ایران وارد می کرده است. درآمد دولت ایران از بابت این مقدار تنباکو در سال مالی بالا تقریباً ۱۶۶۴ لیره ی انگلیس شده است. حال آنکه براساس فصل دوم از قرارداد ۱۴ نوامبر ۱۸۹۴ سهم دولت ایران برای یک سال مالی ۵۰۰۰ لیره ی انگلیس در نظر گرفته شده بود. چه حادثه ای پیش آمد که صاحب منصبان ایرانی در قرارداد الحاقی ۱۵/۲۷ دسامبر ۱۸۹۸ به جای رقم ثابت ۵۰۰۰ لیره در قرارداد اصلی، که می توانست درآمد دولت ایران را سه برابر کند، به یک مبلغ شناور در قرارداد الحاقی، یعنی ۴۵ پاره طلا برای هر حقه تنباکو، تن دادند؟

برای اینکه دریابیم در آمد دولت ایران از تجارت تنباکو که در واقع صاحب اصلی آن بوده است، چه اندازه بود، لازم است مقایسه ای با درآمد دولت مصر از همین تجارت به عمل آوریم. بنابراین لازم است دو واحد حُقَه و غُروش (قروش) را تعریف کنیم.

حُقَه واحد وزن است، در لغت نامه دهخدا یک حقه برابر با ۲۸۰ مثقال و هر مثقال برابر با ۴/۶۴ گرم ثبت شده است. بنابراین وزن هر حقه بنا بر لغت نامه دهخدا یک کیلو و دو بیست و نود و نه گرم (۱/۲۹۹) می شود. اما براساس روایت دیگر هر ۱۰۰ من تبریز^۱ برابر است با ۲۳۰ حقه. در نتیجه وزن هر حقه در این مورد یک کیلو و دو بیست و نود و یک گرم (۱/۲۹۱) می شود. (اسناد تجارت ایران: ۵۷) غُروش واحد پول است که در کشور عثمانی و مصر رواج داشته است. یک غُروش برابر با چهل پاره (پارا) بود. (سازمان اسناد ملی ایران ۱۳۵۵: ۲/۲۴۰۰۱۳۵۵۱-۳۰۲۴۵۱۳۵۵ سند: ضمیمه قرارداد ۴ ربیع الاول ۱۳۱۰ میان دولت ایران و انجمن تنباکو اسلامبول)

اسناد به صراحت بیان می دارند که درآمد دولت مصر از بابت هر حقه تنباکو، ۲۵ غُروش یعنی برابر با ۱۰۰۰ پاره بالغ می شده است. (مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۳۸-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق،

۱. یک من تبریز برابر است با دو کیلو و نهصد و هفتاد گرم (۲۹۷۰گرم) (شیبانی ۱۳۶۶: ۳۹۸)

سند: ۸ جمادی الاولی ۱۳۲۰ (نمره ۸۱) در صورتیکه حق دولت ایران برای هر حقه تنباکو بر اساس ضمیمه قرارداد ۱۸۹۴، ۴۵ پاره در نظر گرفته شده بود. به عبارت دیگر درآمد دولت مصر از تجارت تنباکوی ایران بیش از ۲۲ برابر حقوق دولت ایران از بابت واگذاری امتیاز انحصاری به خلیل خیاط بوده است.

چنانچه این ضریب ۲۲ را در درآمد ایران (۱۶۶۴ لیره انگلیس) برای سال مالی ۱۹۰۲-۱۹۰۱، ضرب کنیم، درآمد دولت مصر برای سال مالی مشابه به دست می آید، و آن برابر است با ۳۶۶۰۸ لیره انگلیس.

برای اینکه ناچیزی درآمد دولت ایرن از تجارت تنباکو به مصر مشخص گردد، ارجاع به گزارش یکی از نمایندگان سیاسی ایران در مصر مفید خواهد بود. حاجی میرزا موسی خان مفخم الملک در سال ۱۳۲۶ق برای ارسال گزارشات خود به اسلامبول بابت مخابره هر کلمه ۱۱ غروش به اداره مخابرات دولت مصر می پرداخته است. (همانجا، ۲۶-۷-۷۹-۱۳۲۶ق، سند: نمره ۴) در واقع ارزش مخابره برای هر کلمه از مصر به اسلامبول برابر با ۱۱ غروش یا ۴۴۰ پاره طلا بود، که این مبلغ ۹/۷ برابر حق امتیاز دولت ایران از هر حقه تنباکوی صادراتی به مصر بوده است.

نتیجه گیری

بیست و دو سال تجارت تنباکوی ایران و مصر، بیست و دو سال تجارت توأم با تجارب تلخ برای دولت ایران بوده است. خلیل خیاط حق دولت ایران را نمی داده است و دولت ایران از جانب خود فشار می آورده تا حقوق ناچیز خود را از رژی مصر بستاند.

وی در ۱۴ نوامبر ۱۸۹۴ موفق شد، امتیاز انحصار صادرات تنباکو به مصر را به واسطه یک قرارداد که با دولت ایران منعقد نمود، تحصیل نماید. پرداخت های خلیل خیاط برای دو سال ۱۸۹۵ و ۱۸۹۶ منظم بوده و ۱۰۰۰۰ لیره به دولت ایران می پردازد. اما پس از آن از پرداخت حقوق دولت ایران خوداری ورزیده و با بهانه تراشی های زیاد و نیز با اغماض دولت مردان ایرانی موفق می شود در ۲۷ دسامبر ۱۸۹۸ یک قرارداد ضمیمه را برای قرارداد ۱۴ نوامبر ۱۸۹۴، به امضاء سفارت ایران در اسلامبول برساند. به موجب قرارداد اخیر "به جای سالی پنج هزار لیره مقرر گردید

که خلیل خیاط پاشا از هر حقه تنباکوی ایران که وارد مصر می نماید ۴۵ پاره که تقریباً معادل پانزده شاهی می شود به دولت عاید دارد." (همانجا، ۳۶۰۰۰۸۷۷۰/۳۶۵۰/ج ۴ و ۱، سند: ۱۳ جدی ۱۳۲۹، نمره ۶۷)

وی که موفق شده بود با ایجاد مشکل از دولت ایران امتیاز گرفته و قرارداد ۱۸۹۴ را تعدیل نموده و درآمد دولت ایران را از صادرات تنباکو به مصر، از سالی ۵۰۰۰ لیره به حداکثر ۲۰۰۰ لیره کاهش دهد، دو سه سال بعد از قرارداد الحاقی "مجدداً اشکال تراشی کرده و در ادای وجه مقررّه تعلل ورزیده است و با اینکه در این معامله به موجب حسابی که شده است قریب سیصد هزار تومان ضرر دولت گردیده، خلیل خیاط به این هم متقاعد نشده اظهار داشته است که مبلغ ۱۲۵۰۰ لیره که از بابت دو سال و نیم از ژانویه ۱۸۹۵ الی اول ژوئیه ۱۸۹۷ که... داده است متعلق به دولت نیست و باید از حقوق آتیه حساب شود." (همانجا، همان سند)

به این ترتیب بهانه تراشی و خودداری از پرداخت به موقع حقوق دولت ایران، رسم و شیوه خلیل خیاط می شود. در واقع تاریخچه صادرات تنباکوی ایران به مصر، به دوران هایی تقسیم می شود که در آن ایام، دعوای دولت ایران با خلیل خیاط به اوج خود می رسیده است.

عایدات دولت ایران از تجارت تنباکو آنقدر اندک بود که حتی پاسخگوی هزینه های جاری سفارت ایران در اسلامبول نبود. گزارش میرزا رضا ارفع الدوله سفیر کبیر ایران به تهران در تاریخ ۱۵ شعبان ۱۳۲۰ بسیار گویاست: "از رژی مصر تا حال ششصد و پنجاه و پنج (۶۵۵) لیره و از رژی اسلامبول چهار صد و سه (۴۰۳) لیره به بنده رسیده، از این دو فقره تنخواه بعد از وضع صورت حساب ملفوفه پانصد لیره و کسری نزد بنده می ماند، در مقابل آن هم همه روزه تلگرافات لازمه است که به طهران می شود باید پول نقد داد و بعد از چند روز دیگر باید هزار فرانک پول بیمه ی سفارت داده شود و هر دفعه چا پارها که عزیمت می نمایند باید سی و دو لیره مخارج داده شود." (مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۷-۲۰-۲۵-۱۳۲۰ق، سند: نمره ۲۷۱)

عملکرد دولت ایران چنان ضعیف بود، که نه تنها خود را در مضیقه مالی قرار می داد بلکه از این رهگذر موجب زیان های غیر قابل جبران به کشاورزان و تجار ایرانی می شد. گزارش کله از اسلامبول درباره تجار ایرانی که از انحصار تنباکو به وسیله عثمانی زیان دیده اند بسیار قابل

ملاحظه است: "از قراری که بنده فهمیده ام انحصار تنباکو مقدار زیادی از اتباع ایران را که در خاک عثمانی از این ممر معاش می نموده اند مفلوک ساخته و وضع آنها تا مدتی اسباب تأسف و تألم دیگران گردیده بود." (سازمان اسناد ملی ایران ۱۳۷۱۹/۳۶۰۰۰۴/۱۰۴پ، ۱۴ آو، ۱، سند: سند: سیم اوت ۱۹۱۰، نمره ۳۹۸۹) در داخل ایران نیز کشاورزان اصفهانی در سال ۱۳۲۴ به دلیل قیمت نازل تنباکو دست به اعتراض شدید زده و با حمایت مکتوب بخشی از علمای اصفهان از بارگیری تنباکوهای خریداری شده توسط نمایندگان شرکت تنباکو خودداری نموده و تنباکوها در انبارها ماند و ضایع گردید. (همانجا، سند: ۲ شوال ۱۳۲۸، ص ۲)

تاریخچه‌ی تنباکوی ایران از یک طرف نمونه قابل تعمیمی است به همه امتیازاتی که به دولت‌های بیگانه و یا به اتباع آنان واگذار گردید و از طرف دیگر بیانگر عدم کفایت نهادهای رسمی کشور در اداره‌ی تجارت و بازرگانی خارجی و نیز ناتوانی او در جهت استفاده بهینه از مزیت‌های ملی بوده است.

منابع

اسناد منتشر نشده:

الف: مرکز اسناد وزارت امور خارجه ایران

- ۱- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۱-۷-۷۹-۱۳۲۶ق
- ۲- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۲-۷-۷۹-۱۳۲۶ق
- ۳- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۲۷-۳۰-۱۳۱۸ق
- ۴- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۲۷-۳۰-۱۳۱۸ق، سند: ۱۴ ذیحجه ۱۳۱۷ق
- ۵- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۲۷-۳۰-۱۳۱۸ق، سند: ۲۲ محرم ۱۳۱۸
- ۶- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۲۷-۳۰-۱۳۱۸ق، سند: سلخ صفرالمظفر ۱۳۱۸
- ۷- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۲۷-۳۰-۱۳۱۸ق، ۷ ربیع الاول ۱۳۱۸
- ۸- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۲۷-۳۰-۱۳۱۸ق، سند: ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۱۸

- ۹- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۲۷-۳۰-۱۳۱۸ق، سند: ۱۸ رمضان ۱۳۱۸
- ۱۰- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۲۷-۳۰-۱۳۱۸ق، سند: ۱۷ ذیقعده ۱۳۱۸
- ۱۱- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۸۱-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق، سند: ۲۲ محرم ۱۳۲۰، نمره ۴۳
- ۱۲- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۲-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق، سند: نمره ۴۰
- ۱۳- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۷۵-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق، سند: نمره ۴۴
- ۱۴- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۳۸-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق، سند: ۸ جمادی الاولی ۱۳۲۰ نمره ۸۱
- ۱۵- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۶۸-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق سند: نمره ۱۰۶
- ۱۶- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۷۵-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق سند: ۱۱ صفر ۱۳۲۰ نمره ۵۵
- ۱۷- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۶۸-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق سند: اسکندریه ۲۴ مه ۱۹۰۲
- ۱۸- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۴۹-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق سند: اسکندریه ۷ ژوئیه ۱۹۰۲، نمره ۱۲۷
- ۱۹- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۶۹-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق سند: ۲۱ صفر ۱۳۲۰ نمره ۵۷
- ۲۰- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۶۹-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق سند ۱۴ شهر ربیع الاول ۱۳۲۰
- ۲۱- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۴۷-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق سند، ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۲۰ نمره ۷۰
- ۲۲- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۲۶-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق
- ۲۳- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۳۳-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق
- ۲۴- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۳۵-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق سند: ۸ جمادی الثانی ۱۳۲۰ نمره ۸۴
- ۲۵- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۳۷-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق سند: ۱۸ ربیع الثانی ۱۳۲۰ نمره ۷۲
- ۲۶- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۵۸-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق سند: ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۲۰ نمره ۱۴۵۶
- ۲۷- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۳۲-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق سند: ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۲۰
- ۲۸- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۲۵-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق سند: ۱۴ رجب ۱۳۲۰
- ۲۹- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۲۲-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق سند: ۲۹ رجب ۱۳۲۰
- ۳۰- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۷-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق
- ۳۱- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۱۰-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق
- ۳۲- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۱-۱۲-۳۱-۱۳۲۱ق

- ۳۳- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۴۸-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق سند: ۴ ربیع الثانی ۱۳۲۰ نمره ۶۸
- ۳۴- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۳۸-۲۹-۲۵-۱۳۲۰ق، سند: ۸ جمادی الاولی ۱۳۲۰ نمره ۸۱
- ۳۵- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۲۶-۷-۷۹-۱۳۲۶ق، سند: نمره ۴
- ۳۶- مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۲۶-۷-۷۹-۱۳۲۶ق
- ۳۷- مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۷-۲۰-۲۵-۱۳۲۰ق، سند: نمره ۲۷۱

ب: سازمان اسناد ملی ایران:

- ۱- سازمان اسناد ملی ایران ۹۸۷۱/۲۴۰۰۹/۴۰۹ص آ ۴ آ، اخبار مربوط به تاریخچه اعطای امتیاز
توتون ایران
- ۲- سازمان اسناد ملی ایران ۱۳۵۵۱/۲۴۰۰۲/۳۰۲ف آ ۵
- ۳- سازمان اسناد ملی ایران ۱۷۲۵۰/۲۴۰۰۵/۷۰۵ن آ ۳ آ، سند: ۲۸ مارس ۱۹۰۳، نمره ۱۰۲
- ۴- سازمان اسناد ملی ایران ۱۷۲۵۰/۲۴۰۰۵/۷۰۵ن آ ۳ آ، سند: ۲۳ ذی القعدة ۱۳۲۰ نمره ۱۳۹
- ۵- سازمان اسناد ملی ایران ۱۸۸۳۳/۲۴۰۰۱۲/۲۱۲ی آ ۳
- ۶- سازمان اسناد ملی ایران ۸۷۷۰/۳۶۰۰۰/۷۵۰ج آ ۴ و، سند: ۱۹ مارس ۱۹۰۳
- ۷- سازمان اسناد ملی ایران ۸۷۷۰/۳۶۰۰۰/۷۵۰ج آ ۴ و، سند: ۱۳ جدی ۱۳۲۹، نمره ۶۷، ص ۳
- ۸- سازمان اسناد ملی ایران ۱۸۸۳۳/۲۴۰۰۱۲/۲۱۲ی آ ۳ آ، سند: ۲۶ ربیع الاول ۱۳۳۶، نمره ۱۵
- ۹- سازمان اسناد ملی ایران ۳۷۱۹/۳۶۰۰۰/۴۰۴پ آ ۴ و، سند: ۲ شوال ۱۳۲۸
- ۱۰- سازمان اسناد ملی ایران ۳۷۱۹/۳۶۰۰۰/۴۰۴پ آ ۴ و، سند: سیم اوت ۱۹۱۰، نمره ۳۹۸۹
- اداره گمرک بندرعباس
سازمان میراث فرهنگی بندرعباس

کتاب و مقالات

آدمیت، فریدون، (۱۳۶۰) *شورش بر امتیازنامه رژی، تحلیل سیاسی، تهران، پیام*.

اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان، (۱۳۷۹) *روزنامه خاطرات*، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر.

اسناد تجارت ایران در سال ۱۲۸۷ قمری، (۱۳۸۰) به کوشش دکتر اصغر مهدوی - ایرج افشار، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

(۱۳۷۶) *اوضاع اقتصادی ایران در آغاز قرن بیستم*، گزارش هیئت بازرگانی هند بریتانیا اعزامی به جنوب شرقی ایران ۱۹۰۵م-۱۹۰۴م/۱۲۸۴-۱۲۸۳ شمسی، مترجمین: معصومه جمشیدی، محمد تقی حروفچین، محمد عوادزاده، مهرنوش میراحسان، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

بامداد، مهدی، (۱۳۷۱) *شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری*، ج ۱، ۲، ۴، تهران، زوار.

تیموری، ابراهیم، (۱۳۵۸) *قرارداد ۱۸۹۰ رژی: تحریم تنباکو، اولین مقاومت منفی در ایران*، تهران، شرکت سهامی کتاب های جیبی.

جمالزاده، سید محمد علی، (۱۳۶۲) *گنج شایگان: اوضاع اقتصادی ایران در ابتدای قرن بیستم*، تهران، کتاب تهران.

شیبانی، میرزا ابراهیم، (۱۳۶۶) *منتخب التواریخ*، زیر نظر ایرج افشار، تهران، انتشارات محمد علی علمی.

صدر هاشمی، محمد، (۱۳۶۴) *تاریخ جراید و مطبوعات ایران*، ج ۲ و ۴، اصفهان، انتشارات کمال. علوی، سید ابوالحسن، (۱۳۶۳) *رجال عصر مشروطیت*، به کوشش حبیب یغمائی - ایرج افشار، تهران، اساطیر.

کرزن، ن. جرج، (۱۳۶۷) *ایران و قضیه‌ی ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ج ۱ تهران، علمی و فرهنگی.

لغت نامه دهخدا

لیتن، ویلهلم، (۱۳۶۷) *ایران از نفوذ مسالمت آمیز تا تحت الحمایگی (۱۹۱۹-۱۸۶۰)*، ترجمه دکتر مریم میر احمدی، تهران، انتشارات معین.

لیتن، ویلهلم، (۱۳۸۵) *ماه غسل ایرانی: خاطرات کنسول آلمان در تبریز (۱۹۱۵-۱۹۱۴)*، ترجمه پرویز رجبی، به کوشش کیانوش کیانی، تهران، نشر ماهی.
ممتحن الدوله شقاقی، میرزا مهدی خان و میرزا هاشم خان، (۱۳۶۵) *رجال وزارت خارجه در عصر ناصری و مظفّری*، به کوشش ایرج افشار، تهران، اساطیر.
ناطق، هما، (۱۳۷۳) *بازرگانان در داد و ستد با بانک شاهی و رژی تنباکو (بر پایه آرشیو امین الضرب)*، تهران، توس.

نوائی، عبدالحسین، (۲۵۳۵) *دولتهای ایران از آغاز مشروطیت تا اولتیماتوم*، تهران، انتشارات بابک.
Mathee, Rudi, (2005) *The pursuit of pleasure: drugs and stimulants in Iranian history, 1500-1900*. New Jersey.

مقالات

سمسار، حسن، (۱۳۴۲) "نظری بر پیدایش چقیق و قلیان در ایران"، *مجله هنر و مردم*، سال ۱۳۴۲، شماره ۲۷، ۱۴-۲۵.

نفیسی، سعید، (۱۲۹۷) "توتون و تنباکوی ایران و تجارت آن در ممالک خارجه"، *مجله فلاح و تجارت*، شماره ۱۴ و ۱۵، سال اول، ۱ عقرب ۱۲۹۷، ص ۶-۲.

نفیسی، سعید، (۱۲۹۷) "توتون و تنباکوی ایران و تجارت آن در ممالک خارجه"، *مجله فلاح و تجارت*، شماره ۱۹ و ۲۰، سال اول، ۱۵ جدی ۱۲۹۷، ص ۳-۱.

نفیسی، سعید، (۱۲۹۷) "توتون و تنباکوی ایران و تجارت آن در ممالک خارجه"، *مجله فلاح و تجارت*، شماره ۲۳ و ۲۴، سال اول، ۱۵ حوت ۱۲۹۷، ص ۹-۱.

نفیسی، سعید، (۱۲۹۸) "توتون و تنباکوی ایران و تجارت آن در ممالک خارجه"، *مجله فلاح و تجارت*، شماره ۱، سال دوم، حمل ۱۲۹۸ ش، ص ۸-۲.

نشریات

روزنامه اختر، ج ۹ (سال های ۲۱، ۲۲ و ۲۳ از انتشار روزنامه برابر با ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۴ ق)، (تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۳)

روزنامه پرورش، به مدیریت میرزا علی محمد خان کاشانی، چاپ مصر

روزنامه ثریا، به مدیریت میرزا علی محمد خان کاشانی و سید فرج الله خان کاشانی، چاپ مصر.
روزنامه چهره نما به مدیریت عبدالمحمد مؤدب زاده (مؤدب السلطان)، چاپ مصر، از سال اول،
شماره ۱ (محرم ۱۳۲۲/۱۵ آوریل ۱۹۰۴) تا سال پانزدهم، شماره ۵۷ (غره ذی

الحجه ۱۳۳۶/۷ سپتامبر ۱۹۱۸)

مذاکرات مجلس شورای ملی در دوره دوم،

مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره سوم، ۱۷ محرم ۱۳۳۳ تا ۲۵ ذی الحجه ۱۳۳۳، (تهران: اداره
روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، ۱۳۲۸)

مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، ج ۱، ۱۵ شوال ۱۳۳۹ تا ۱۶ جمادی الثانی ۱۳۴۰،
(تهران: اداره روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، ۱۳۳۰)

مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، ج ۲، ۲۷ دلو ۱۳۴۰/۱۸ جمادی الثانی ۱۳۴۰ تا ۲۳
اسد ۱۳۴۰/۲۱ ذی الحجه ۱۳۴۰، (تهران: اداره روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، ۱۳۳۰)

مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، ج ۳، ۲۵ اسد ۱۳۴۰/۲۳ ذی الحجه ۱۳۴۰ تا ۲۳ جوزا
۱۳۴۰/۷ ذی القعدة ۱۳۴۱، (تهران: اداره روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، ۱۳۲۸)